

حنا در هرمزگان

رحمت الله عباسی دمشهری^۱

چکیده

حنا به عنوان یکی از مهمترین محصولات کشاورزی در استان هرمزگان در گذشته سهم قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی را به خود اختصاص داده بود. در باور عوام حنا گیاهی مقدس است و از این روی، این گیاه نقش کلیدی در برگزاری مراسمی چون حنابندان، عروسی و تعزیه دارد. گذشته از این، از حنا برای درمان و رنگرزی نیز استفاده می‌کردند کشت و کار وسیع این گیاه در استان سبب گشته بود تا حنا از اقلام مهم صادراتی استان گردد به گونه‌ای که حنای تولید شده در استان به کشورهای چون عمان، عثمانی، هند، قطر، امارات عربی متحده و غیره صادرات می‌شد.

کلیدواژه‌ها: حنا، کشت، برداشت، حنابندان

۱. دبیر آموزش و پرورش در بندر عباس abbasi.rahmat@gmail.com

مقدمه

حنا گیاهی وابسته به خانواده «لیتراسه‌آ»^۱ است که با نام علمی «لئوسونیا اینرمیس»^۲ خوانده می‌شود. بلندی درختچه حنا از ۱/۵ تا ۲/۵ متر است و برگ‌هایی مانند برگ‌های درخت انار و گل‌هایی سفید، خوشبو و خوشه‌ای دارد. این درخت می‌تواند بیست سال بار دهد و محل رویش آن آب و هوای گرم می‌باشد. (برهان، ۱۳۷۶: ۶۹۱)

درخت حنا در کشورهای ایران، پاکستان، سوریه، مغرب، فلسطین، یمن، مصر، اوگاندا، تانزانیا، افغانستان، سنگال، کنیا، اتیوپی، اریتره و هند یافت می‌شود. رایج‌ترین نام این گیاه «حنا» (= henna) است که از عربی «حناء» برگرفته شده است.^۳ گذشته از این، حنا به نام‌های دیگری نیز از جمله: «مهندی»، «جامایکا میگنونت»^۴، «پریوت مصری»^۵ و «الکانا»^۶ خوانده می‌شود.

جویش و جستار در پیشینه و رویشگاه کشت و کار حنا سخت و دشوار است. شواهد چنین نشان می‌دهد که انسان‌های دوره نوسنگی (= هزاره هفتم پیش از میلاد) در «کتل هیوک»^۷ از حنا برای رنگ کردن دست و پایشان به هنگام برگزاری آیین‌ها و مراسمی که وابسته به الهه باروری بوده، استفاده می‌کردند. آشوریان، بابلیان، سومری‌ها، سامی‌ها، کنعانی‌ها و اوگاریت‌ها^۸ از نخستین مردمانی بودند که در روزگار باستان از حنا بهره می‌بردند. (Grolier Encyclopedia Web Site)

1. Lythraceae
2. Lawsonia Inermis
3. واژگان انگلیسی henna و فرانسوی henné نیز از عربی حناء برگرفته شده. روشن است که واژه «حنیر» در گویش بندری نیز از گونه عربی «حناء» وام گرفته شده است.
4. Jamaica Mignonette
5. Egyptian Privet
6. Alkanna

۷. Catal Huyuk (جایی در آناتولی)

۸. Ugaritic: شهر باستانی در شمال سوریه

مطالب بسیاری درباره نخستین خاستگاه درخت حنا گفته شده است. عده‌ای «هند» را نخستین خاستگاه حنا می‌دانند. اما برخی دیگر نخستین خاستگاه و رویشگاه حنا را «مصر باستان» می‌دانند و بر این پندارند که این گیاه در سده ۱۲ میلادی از مصر به هند برده شده است. پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در مصر باستان از حنا، پیش از عمل مومیایی، برای رنگ کردن انگشتان دست و پای فراعنه استفاده می‌کردند. حتی مومیایی‌هایی پیدا شده که با پارچه‌هایی با حنا رنگ شده پیچیده شده بودند. (Encarta Encyclopedia 2003)

با این همه، کاربرد حنا اختصاص به فراعنه نداشت و مردمان دیگر نیز از حنا برای آذین دست و پا و مسایل دارویی - پزشکی استفاده می‌کردند. در زمان‌های گذشته این باور رایج بود که در مواد سرخ رنگی چون «گل اخرا»، «خون» و «حنا» قدرتی نهفته است که آگاهی انسان را از نیروهای فرازمینی بیشتر می‌کند. از این روی، برای نگهداری چنین «معنویت» و «نیروی» از این گیاه بهره می‌گرفتند.

نخستین گواه مکتوبی که به گونه ویژه، کاربرد حنا را برای آذین دستان زنان و نوجوانان نشان می‌دهد افسانه «اوگاریت بعل و آنات» است که به ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد. گذشته از مناطق بسیار در خاورمیانه و آفریقا، در جنوب چین نیز از حنا در برگزاری مراسم و آیین‌های گوناگون استفاده می‌کردند. (همان)

کاربرد دارویی و استفاده از آن در برگزاری آیین‌ها و مراسم از عمده کاربردهای حنا در گذشته بوده است. همچنین از ویژگی گندزایی و زداینده‌گی آن برای تمیزی و خنکی پوست و مو بهره می‌گرفتند. بسیاری از آفریقایی‌ها و آسیایی‌ها از این ماده ارزان و در دسترس برای خنک کردن و تمیزی موهایشان در ماه‌های گرم استفاده می‌کردند و حنا در آیین‌های گوناگون، از جمله عروسی، زایمان، ختنه سوران، زار و مراسم دیگر کاربرد داشته است. (Grolier Encyclopedia Web Site)

روشن است که کشت و کاربرد حنا در ایران به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد و این گیاه یکی از فرآورده‌های مهم کشاورزی بوده که هم در داخل ایران کاربرد بسیاری داشته و هم بخش فراوانی از آن به خارج صادر می‌شده است. قلبگاه کشت حنای ایران کرمان به ویژه بم و بهرام‌آباد و پاره ای از مناطق جنوب به ویژه هرمزگان بوده است.

ابومنصور (سده ده میلادی) از کشت حنا در ایران یاد می‌کند. در تاریخ سیستان هم از گران شدن حنا در روزگار مغول سخن به میان آمده است. محمد هاشم آصف ارزش یک من حنای خوب به وزن شاه را در روزگار زندیه «ششصد دینار» می‌نویسد. (رستم الحکما، ۱۳۵۲: ۳۱۵) شاردن در سده هفدهم از کشت درختچه حنا در سیستان و بلوچستان سخن می‌گوید. حنا در سده هفدهم از تولیدات مهم کشاورزی ایران بشمار می‌آمده و آن را به عنوان دارو یا ماده رنگی برای رنگین ساختن ناخن، موی ریش و سبیل به کار می‌بردند. (تاریخ کشاورزی، همان) در تحفه حکیم مؤمن درباره حنا آمده: «حناء به کسر حاء و تشدید نون، نباتی است ساقش به قدر نیم ذرع و سرخ و برگش شبیه به برگ مورد و عریض تر از آن و نرم و گلش سرخ مایل به سفیدی و «فاغیه» نامند و خوشبو و در سالی دوبار گل می‌کند.» (برهان، ۱۳۷۶: ۶۹۱)

به گفته نویسنده ارشاد الزراعه دانه حنا را به اندازه ۳ تا ۴ من در جریب در بهار می‌کارند. زمان کشت حنای خشک، اول اردیبهشت ماه است که دانه آن پیشتر به اندازه یک ماه در آب می‌خیسد. تاریخ کشت حنای تر، پانزدهم فروردین است. پیش از گل کردن، «فرآورده حنا» و پس از گل کردن، «دانه گیاه» به دست می‌آید. (تاریخ کشاورزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱)

حنا از جمله فرآورده‌های مهم کشاورزی و از عمده صادرات استان هرمزگان است که در گذشته‌های نه چندان دور در بسیاری از مناطق استان، به ویژه خاور آن، کشت می‌شد. در بسیاری از مناطق استان کشتزارهای پرشماری بود که به «بند حنیری»، «مهرغ^۱ حنیری» و «باغ حنیری» نامیده می‌شد. ویژگی‌های آب و هوایی و آب کافی به همراه نیاز به چنین گیاه سودمند و مقدسی موجب شده بود تا زمین‌های زیادی برای کشت این گیاه اختصاص یابد.

همان گونه که پیشتر گفته شد مهمترین مناطق کشت و کار حنا در هرمزگان، «خاور»^۲ این استان بوده یعنی جایی که آب و هوا و زمین سازگار برای کشت این گیاه

1. Mahregh

۲. جاهایی چون میناب، رودان، قلعه قاضی، تخت و...

جملگی فراهم بود. از این روی، وجود همه ویژگی‌های سازگار برای کشت و کار حنا در استان سبب گشته بود تا حنا «چهارمین فرآورده کشاورزی» مهم استان باشد. سدیدالسلطنه^۱ در توصیف فرآورده‌های جلگه میناب، حنا را در جایگاه چهارم فرآورده‌های کشاورزی قرار می‌دهد: «بیشتر حاصل آنها خرماست، درجه دوم لیمو و انبه و بعد «حنا»ست. میوه جات دیگر مانند نارنج و موز و جام (=جم، درختی با برگ‌های پهن و میوه‌ای کوچک به رنگ بنفش) و گارم زنگی که عبارت از جلغوزه است و توت و ترنج و مدنی و بید خونی و زیتون و انار و انگور و انجیر کمی دارد...»

میناب از مهمترین تولیدکنندگان حنای استان بود. کشت این گیاه در میناب چنان رواج داشت که باغی در میناب به «باغ حنیری» (=حنایی) مشهور است و سدیدالسلطنه به روشنی از آن نام برده است.^۲ سدیدالسلطنه از هفت باغ در میناب یاد می‌کند که در آنها حنا کشت می‌شد. میزان حنایی که در این باغ‌ها کشت می‌شد را نزدیک به ۶۰۰۰ من^۳ ذکر می‌کند. «نخلستان حنایی قلعه» محلی بود که بیشترین مقدار حنا (۱۷۰۰ من) را تولید می‌کرد. حگمی، شهوار، بنزرک، گردر و تَبانو مهمترین مناطق میناب بودند که در اغلب آنها بیش و کم حنا کشت می‌شد. نام‌ها و میزان حنای به دست آمده در هر یک از باغ‌هایی که سدیدالسلطنه (سال ۱۳۲۷ شمسی) گفته چنین است:

نخلستان حنایی حکمی ۴۰۰ (به من)

نخلستان حاجی عباسی ۱۵۰۰

نخلستان حنایی قلعه ۱۷۰۰

نخلستان بنزرک و گردر ۱۵۰۰

نخلستان بیدفری ۲۸۰

نخلستان تَبانو ۳۰۰

۱. از نام آوران استان هرمزگان که در عصر قاجار می‌زیسته و نوشته‌های بسیاری درباره استان و جنوب ایران نگاشته است.

۲. در جاهای دیگر ایران نیز مناطقی به نام «حنا(یی)» وجود دارد مانند: روستای حنا در شهرضا و جیرفت.

۳. من میناب ۶ کیلو بوده است.

حنایی عبدالرضایی ۲۴۰

گذشته از میناب، در جاهای دیگر استان نیز حنا کشت می‌شد. برای نمونه، رودان یکی از عمده مناطق کشت حنا بود که به میزان چشمگیری در آن حنا کشت می‌شد به گونه‌ای که صادر هم می‌شد. در روستای خراجی رودان زمین و کشتزاری به ترتیب به نام «زمین حنایی» و «مِهَرِغ حنیری» وجود داشت که حنا به میزان زیاد در آنها کشت می‌شد.^۱ پس از لیمو و خرما، «حنا» مهمترین فرآورده کشاورزی رودان بوده است. سدیدالسلطنه درباره صادرات حنای رودان از راه میناب می‌گوید: «واردات عمده آنجا (میناب) از رودان جو و گندم و خرما و حنا و نیل (نام یک نوع درخت) و جغاله انبه است...» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۸: ۵۳)

گذشته از این، در جاهای دیگر استان، از جمله قلعه قاضی، گودو، تخت، سرخون، سردره، کشکو، شهر، داودی، میانی، شیرو، بُن در، گلستان، ابراهیمی، مزارکو، ایسین و دَزک نیز بیش و کم حنا کشت می‌شد. سدیدالسلطنه در توصیف شمیلات^۲ به روشنی به کشت حنا اشاره می‌کند و می‌گوید: «محصول این دو ناحیه آنچه اکثریت دارد جو و گندم و ارزن و خرما و «حنا» است و آنچه به قلت است پیاز و تنباکو و هندوانه و خربوزه (=خربزه) و کاهو و چغندر و شلغم و سبزی و نارنگی و نارنج و سیب و بادام و شفتالو و آلو و انار و انگور و توت و زردآلو و به و موز و انبه و در هر نقطه به تفاوت خدمت و هوا به عمل آیند.»^۳

همان گونه که گفته شد حنا یکی از کالاهای مهم صادراتی استان است. برآیند

۱. متأسفانه درختچه های حنای «زمین حنایی» به کلی از بین رفته و تنها چند بوته در «مِهَرِغ حنیری» دیده می‌شود.

۲. نام منطقه‌ای در بندرعباس

۳. اگرچه میزان حنای کشت شده در زمین‌های بالا به اندازه میناب و رودان نبود اما حنا از عمده فرآورده های کشاورزی این مناطق بوده است. سدیدالسلطنه با اشاره به کشت حنا در مناطق بالا در توصیف فرآورده های کشاورزی آن مناطق می‌گوید: «آنجا نزد عوام مشهور به «کلفاضی» است. از عباسی (= بندرعباس) تا به آنجا تقریباً هشت فرسخ می‌شود... حاصلشان «حنا» و جو و گندم و خرما و ذرت است، به گاو چاه آبیاری نمایند...» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۸: ۹-۲۸)

ممیزی میرزا احمدخان در سال ۱۳۳۲ و مقدار مالیاتی که از حنا گرفته می‌شد نشان می‌دهد که رواج کشت حنا در استان، این گیاه را به یکی از عمده فرآورده‌های کشاورزی - صادراتی به داخل و خارج از استان تبدیل کرده بود. به گفته سدیدالسلطنه ارزش صادرات حنا از بندرعباس به خارج «بیست هزار و صد و بیست و سه تومان» بود که در همسنجی با کالاهای دیگر ارزش نسبتاً بالایی داشته است. قشم، لنگه، بندرعباس، بصره، هند، عثمانی و عمان از عمده واردکنندگان حنای استان بوده‌اند. سدیدالسلطنه میزان حنای صادراتی به پاره‌ای از این مناطق را گزارش کرده است. برای نمونه، می‌گوید:

«حنا سه ربع به عثمانی و ربع به عمان حمل شده (که) صد و دوازده هزار و نوزده من^۱ [است]» (همان: ۱۸۹)

سابقه صادرات حنا از بنادر استان به ویژه از هرمز به کشورهای دیگر به چندین سده می‌رسد. از قدیمی‌ترین گزارش‌ها درباره صادرات حنا از استان، نقل قولی است که باربوسا^۲، جهانگرد اسپانیایی (سده شانزدهم میلادی) از صادرات کالاهای گوناگون از هرمز بیان می‌کند.^۳ باربوسا در این باره می‌گوید: «بسیاری از انواع مال التجاره‌ها را که از بسیاری نقاط به آنجا وارد می‌شود، داد و ستد می‌کنند و از آنجا (هرمز) به سایر قسمت‌های هند صادر می‌نمایند. آنها (تجار ایرانی) همه نوع ادویه، دارو، احجار کریمه و سایر امتعه از قبیل فلفل، زنجبیل، دارچین، میخک، چماق، جوزبویا، فلفل دراز، چوب عود، چوب صندل، «حنا»، تمره‌ندی... به آنجا می‌آورند...» (رائین، ۲۵۳۶: ۳۴۰)

معمولاً حنای برداشتی استان به بندرعباس آورده می‌شد و از این بندر و البته بنادر دیگر از جمله تیاب (میناب)، لنگه و... به خارج صادر می‌گردید. سدیدالسلطنه در این

۱. به گفته سدیدالسلطنه «من» در اینجا من تبریز گمرکی است.

2. Barbusa

۳. گذشته از این سدیدالسلطنه نیز درباره صادرات حنای استان می‌گوید: «آنچه از آنجا (میناب) حمل به عباسی و قشم و عمان و لنگه و بصره و هندوستان می‌شود، خارک و خرما و «حنا» و روغن و پشم و کرک و انبه و آب لیمو و چغاله و حصیر و ظروف سفال است.» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۸: ۵۴)

باره می‌گوید: «صادراتی که از خود عباسی و مضافات عاید شود، حیوان و روغن خوراکی و خارک مطبوخ و خرما و میوه تر و ماهی و نمک و گلک (=خاک سرخ) و منسوجات پنبه‌ای و «حنا» و تنباکو و نیل و تخم طیور خواهد بود.» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۸۷) به گفته سدیدالسلطنه در دهه ۱۳۲۰ شمسی قیمت یک بار حنا- که بیست و چهار من هزار مثقالی بوده- هفت تومان بوده است.

به طور کلی، سه گونه حنا وجود دارد که با توجه به رنگ بخش بندی می‌شود: حنای سرخ، سیاه و کم رنگ. پرتفدارترین گونه، حنای سرخ و پس از آن حنای سیاه است. از حنای کم رنگ بیشتر برای خنک کردن و ترمیم پوست استفاده می‌کنند. برای خنک شدن بدن مقداری حنای کم رنگ را با آب می‌آمیختند و فرد در آمیخته آب و حنا می‌خوابید تا پوست بدنش خنک شود بدون اینکه پوست، رنگ ویژه‌ای به خود بگیرد. همان گونه که برگ‌های درخت چای را در سه چین برداشت می‌کنند، حنا را نیز در سه چین با فاصله چند ماهه، برداشت می‌کنند و «سه چین» می‌نامیدند. نخستین چین حنا در تیرماه (=برج سرطان) آغاز می‌شد که به «چین کنگان» معروف بود. حنای چین نخست، مرغوبترین و بهترین حنا بود و در مقایسه با چین‌های دیگر بهای بیشتری داشت. چین دوم در شهریور (=برج میزان) آغاز می‌شد و «چین شهریمه» نامیده می‌شد و سرانجام چین سوم که در بهمن (=برج دلو) برداشت می‌شد و به «چین زازغ»^۱ معروف بود. حناهای چیده شده را در گونی‌های بزرگی به نام «جانم خانی» (=جانخانی) می‌کردند و برای صادرات و آسیاب به جاهای دیگر می‌بردند. سدیدالسلطنه این سه مرحله را چنین بازگو می‌کند: «حنا را در آن جلگه (میناب) در سه موقع خواهند برید و آن را سه چین گویند، چین اول در برج سرطان و آن را چین کنگان گویند و بهتر از دو چین آینده است. چین دوم در برج میزان و آن را به چین شهریمه موسوم داشته چون نام برج میزان نزد آنها شهریمه است و شهریمه مزبور مخفف شهریور ماه است... چین سیم در برج دلو است که آن برج بهمن گویند و چین مزبور موسوم است به چین زازغ و زازغ بر وزن کابل آید.» (همان: ۸-۵۷)

به گفته سدیدالسلطنه حنا را در جلگه میناب در برج‌های میزان و عقرب تخمدان می‌کردند و در برج سرطان غرس می‌نمودند. در فصل بهار نیز به مانند درختان دیگر کرت‌های کشتزارهای حنا مرتب می‌شد و کود مورد نیاز به آنها داده می‌شد. سدیدالسلطنه در این باره می‌گوید: «حنا را در برج میزان و عقرب تخمدان کرده و در برج سرطان غرس نمایند و قسم دیگر هم باز در برج سرطان، شاخه حنا را از ریشه بیرون نموده و غرس کنند.» (همان: ۵۸)

همان گونه که گفته شد یکی از مهمترین کاربردهای حنا، رنگ کردن دست، پا، مو و کاربرد آن در مراسم و آیین‌های ویژه بود. معمولاً در ماه‌های گرم سال، افراد برای خنک کردن- و حتی ترمیم پوست- به دست و پا حنا می‌بستند. گذشته از این، موی سر و ریش خود را نیز با حنا رنگ می‌کردند که به اصطلاح «خضاب کردن» گفته می‌شود. از حنا در رنگرزی هم استفاده می‌کردند.

«حنابندان» مشهورترین مراسمی است که در برپایی آن حنا نقش کلیدی دارد. آیین عروسی با حنابندان آغاز می‌شود و در باور عوام بستن حنای عروسی از «واجبات» است. عوام بر این پندارند که مراسم حنابندان در عروسی شاهزاده قاسم (ع) برگزار شده و حضرت در آن شب به دست و پای خود حنا بسته است. هم اکنون نیز در برگزاری تعزیه عروسی شاهزاده قاسم مقداری حنا در ظرفی فراهم می‌شود و پس از تعزیه، زنان مقداری از آن حنا را به عنوان «تبرک» برمی‌دارند. تقدس این گیاه در نظر عوام به گونه‌ای است که در حنای شب حنابندان چند برگچه از بوته حنایی را که در زمین زیارتگاه یا قدمگاه وجود دارد نیز برای «تبرک» به آن می‌افزایند. از این روی، در باور عوام حنا گیاهی است «مقدس» و بستن آن به دست و پای عروس و داماد لازم و از بخش‌های «جدانشدنی» مراسم عروسی است. در گذشته، مراسم حنابندان سه روز به درازا می‌کشید: روز اول را «حنیر دزی»^۱ می‌گویند. در این شب تنها بستگان نزدیک عروس دعوت می‌شوند و به هیچ روی حنای عروس یا داماد به کسی داده نمی‌شود و صرفاً در مراسم به کار می‌رود. شب دوم را «حنیر راستی» می‌گویند. معمولاً در این

شب اغلب نزدیکان و آشنایان به مراسم دعوت می‌شوند. شب سوم حنابندان «حنیرعوضا» نام دارد. در این شب بخشی از حنای عروس و داماد- پس از اینکه به زیارتگاه یا قدمگاه محل برده شد و تبرک گردید- با هم «عوض» می‌شود. بستن حنای عروس و داماد به عهده زنان است و این کار را نیز گروهی از زنان آشنا و نزدیک انجام می‌دهند. به هنگام برگزاری آیین حنابندان زنان گرد عروس و داماد می‌ایستند و با خواندن اشعاری در مدح پیامبر و ائمه- که به باسنک^۱ مشهور است- و همچنین اشعار موزون دیگر، تکه پارچه‌هایی را که در دست دارند تکان می‌دهند و این اشعار را می‌خوانند:

امام اولی آمد به میدان	ملایک بر سرش می‌خوانند قرآن
اگر دین محمد بر قرارن	علی در خدمت پروردگاران
امام دومش آمد به میدان	ملایک بر سر می‌خوانند قرآن

این اشعار همین گونه به نام دوازده امام خوانده می‌شود. اشعار دیگری نیز در حنابندان خوانده می‌شود، برای نمونه:

امشب حناش می‌بندم	وادست و پاش می‌بندم
امشب حنا بندونشه	عالم همه خندونشه
جانمی حناش می‌بندم	برگ سیاش می‌بندم

در مراسم حنابندان اهل سنت نیز اشعاری در ستودن حضرت فاطمه(س) خوانده می‌شود:

کرسی شوا از آسمن	بی (=برای) دختر پیغمبرن
بی بی فاطمه تاج بر سرن	که دختر پیغمبرن (دژگانی، ۱۳۸۴: ۱۹۶)

حنای دست و پای داماد هیچ نگاره ویژه‌ای ندارد و یک تکه تا نزدیک مچ دست و

پا بسته می‌شود. اما حنای عروس دربردارنده نقش و نگاره‌های زیبا و گوناگونی است و می‌تواند از نوک انگشتان آغاز و تا بازو ادامه پیدا کند. حنای دست و پای عروس را هنرمندان «نقش حنازن» می‌نگارند و در این کار نیز توانایی ویژه‌ای دارند. معمولاً بهای زدن نگاره حنای دست و پای عروس جدا حساب می‌شود و بسته به نوع نگاره گاه به بیش از «پنجاه هزار تومان» نیز می‌رسد. برای اینکه حنا روی دست و پای عروس خوب نگاره شود و رنگ بگیرد، سه چهار ساعت پیشتر آن را در ظرفی آماده می‌کنند. گذشته از عروسی، در اعیاد دیگر چون رمضان و قربان- و حتی برای رفتن به سفرهای زیارتی- نیز از حنا برای رنگ کردن دست و پا استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقاله عنوان شد حنا در گذشته‌ای نه چندان دور در این استان در بسیاری از مناطق مخصوصاً شرق استان کشت می‌شد و زمین‌های کشاورزی بسیاری به کشت این محصول اختصاص یافته بود. این گیاه نقش بسیار زیادی در توسعه کشاورزی، تجارت و کار داشت. این گیاه به کشورهای زیادی از جمله هند، عثمانی، عمان و غیره صادر می‌شد. همچنین، برای آسیاب کردن برگ‌های حنا، آسیاب‌های زیادی ساخته شده بود که معمولاً با آب کار می‌کردند اما با تغییر کاربری مزارع و باغ‌های حنا و جایگزین کردن محصولات دیگر از جمله لیمو، مزارع حنا از بین رفت و تمام آسیاب‌ها، صنایع رنگرزی و تجارتي که از قبل این گیاه به وجود آمده بود متأسفانه رفته رفته رکود پیدا کرد و سرانجام از بین رفت.

رسانه صدا و سیما می‌تواند در قالب برنامه به معرفی بخشی از تاریخ کشاورزی و تجارت منطقه هرمزگان پردازد و سیر اوج و افول کشت حنا و تجارت آن را مورد بررسی قرار دهد.

فهرست منابع

- ۱- محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۵۶) **برهان قاطع** به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۲- بی‌نا(بی‌تا)، **تاریخ کشاورزی ایران**، تهران: امیرکبیر
- ۳- دژگانی، فاطمه (۱۳۸۴) **قشم نگینی بر خلیج فارس**، تهران: سیروان.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۰) **لوح فشرده لغتنامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- راثین، اسماعیل (۲۵۳۶) **دریانوردی ایرانیان**، تهران: جاویدان.
- ۶- مشیری، محمد (۱۳۵۲) **رستم الحکما، رستم‌التواریخ**، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۷- سدیدالسلطنه (۱۳۶۸) **بندرعباس و خلیج فارس**، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

منابع لاتین

- 1- Encarta Encyclopedia Deluxe CD.(2003). Microsoft Corporation.
- 2- Grolier Encyclopedia Web Site.